



عزت و سربلندی در پناه خرد

در اسلام زن و مرد از یک گوهر آفریده شده‌اند (قرآن، سوره نساء آیه یک) و از لحاظ آفرینشی و طبیعی ارزشی برابر دارند...

دکتر مرضیه محمدزاده: در اسلام زن و مرد از یک گوهر آفریده شده‌اند (قرآن، سوره نساء آیه یک) و از لحاظ آفرینشی و طبیعی ارزشی برابر دارند، لیکن هر یک از زن و مرد در نظام اجتماعی دارای جایگاه ویژه‌ای هستند که به اقتضای طبیعت تقسیم کار اجتماعی یا توجه به سرشت و نهاد هر یک و بر طبق ساختار اجتماع و هدف و مقصدی که برای اجتماع در نظر گرفته شده، شایسته است که زن و مرد جایگاه درست و بایسته خود را بشناسند و بر پایه این شناخت به انجام وظیفه خود بپردازند و اسلام توانست زن را در جایگاه اجتماعی خود با همه مرزبندی‌هایی که به اقتضای طبیعت با مردان پیدا نمی‌کرد، نقشی ویژه و ممتاز بدهد.

نگاهی به نقش ارزشمند زنانی که در صدر اسلام منشأ خدمات تأثیرگذاری بوده‌اند، می‌تواند مصداقی بر این مدعا باشد. دومین گرویده به دین اسلام یک زن است که خود به عنوان بانوی اول این دین در همگامی و همراهی با آورنده پیام و پشتیبانی و پیشبرد اهداف عالی آن نقش بارز و برجسته‌ای داشته است و پس از او دخت ارجمندش، با شخصیت شگرف و چندبعدی خود الگوی همیشگی زن مسلمان لقب گرفت. هرچند پرداختن به زندگانی این دو زن فداکار، پرهیزکار و نمونه، خود فصلی جدا و فراغتی بسیار را می‌طلبد ولی به بهانه میلاد ام‌الائم، حضرت فاطمه‌زهرا(س) نگرشی اجمالی به نقش زنان صدر اسلام که محصول تربیت و باورهای دین اسلام هستند، ما را به جایگاه اصلی زن در این دین رهنمون خواهد شد.

در تاریخ حیات اسلام، بانوان نقش عظیمی در وجوه مبارزه، علم و تقوا داشته و علاوه بر این فرزندان مجاهد، متقی و بزرگوار تربیت کرده‌اند؛ زنان برجسته و با هوشی سرشار که در توانایی درک حقایق و حل مسائل و رویدادهای اجتماعی و سیاسی به پایه و منزلتی رسیدند که حتی بزرگ‌ترین مغزهای متفکر آن روزگار نیز نمی‌توانستند کوچک‌ترین ایراد و اشکالی به پیشنهادها و نظراتشان وارد سازند. مختصری از زندگانی چند تن از این زنان را که از شخصیت‌های بزرگ صدر اسلام بوده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

ام سلمه: یکی از همسران رسول‌الله(ص) که در نزد آن حضرت دارای منزلتی برتر بود و از چنان مقام والایی برخوردار بود که هیچ یک از همسران رسول‌الله(ص) بعد از خدیجه(س) به آن پایه نرسیدند. پیامبر اکرم(ص) برای او ارزش والایی قائل بود و به فضیلت وی اعتراف می‌کرد و او را عزیز و محترم می‌داشت. ام‌سلمه(هند) دختر ابوامیه معروف به زادلرکب از بخشنده‌ترین مردان قریش و مادرش عاتکه دختر عامر بن ربیع است. او از قبیله بنی‌مخزوم، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین قبایل قریش است.(1)
ام سلمه 9 سال قبل از بعثت رسول‌الله(ص) در مکه متولد شد و به سال 62 هجری در مدینه در حالی که 84 سال سن داشت، از دنیا رحلت فرمود. او آخرین همسر رسول‌گرامی بود که بعد از عمری مجاهدت در راه خدا رحلت فرمود. مقبره او در بقیع و در کنار بزرگان صدر اسلام است.(2)

ام سلمه، پیش از ازدواج با پیامبر(ص)، همسر برادر رضای آن حضرت، ابوسلمه بن عبدالاسد مخزومی بود(3) و همراه او به حبشه هجرت کرد.(4) و کنیه‌اش را نیز از سلمه پسر خود از همین شوهر گرفته است.
همه روایات مربوط به سفیران قریش در حبشه و مناظرات ایشان با جعفر بن ابی‌طالب در حضور نجاشی از طریق ام‌سلمه نقل شده است.(5)

تمامی کتب تاریخی، او را جزو اولین گروندگان به اسلام می‌دانند. او به همراه سمیه، مادر عمار یاسر قبل از اینکه دعوت پیامبر اکرم(ص) علنی شود، ایمان آورد.(6)
ام‌سلمه نخستین زن مهاجر از قریش بود که به سبب مخالفت خانواده شوهرش با مهاجرت ابوسلمه، به تنهایی به مدینه هجرت کرد و چون از شوهر و فرزند جدا مانده بود، حدود یک سال در «#171؛ابطح» می‌نشست و می‌گریست.(7)
ام‌سلمه در زندگی مشترکش با ابوسلمه که نزدیک به 15 سال بود، صاحب 4 فرزند به نام‌های سلمه، دره، عمر و زینب شد.(8)
پس از درگذشت ابوسلمه در سال 4 هجری بر اثر جراحی که در جنگ احد برداشته بود، پیامبر اکرم(ص) با او ازدواج کرد. ام‌سلمه از جمال بهره کافی داشت، چنان که محسود عایشه و مایه اندوه او شد.(9)

ام‌سلمه در غزوات متعددی چون مریسیع، حدیبیه، خندق، فتح مکه و حنین رسول‌خدا(ص) را همراهی کرد.(10) بعدها هر ماه به میدان جنگ احد می‌رفت و بر شهیدان سلام می‌فرستاد.(11)
وی احادیث فراوانی از حضرت رسول اکرم(ص)، همسرش ابوسلمه و حضرت فاطمه‌زهرا(س) روایت کرده است و گروهی از او استماع

حدیث کرده‌اند که نام آنان در منابع مختلف آمده است. (12)
او 518 حدیث از راویان مختلف درباره احکام فقهی، احوال رسول‌الله (ص) و اهل‌بیت (ع) روایت کرده. (13) که 378 حدیث آن از پیامبر اکرم (ص) است. (14)

از حدیث او که در کتب فریقین آمده است می‌توان به شأن نزول آیه تطهیر (احزاب/33) حدیث کساء، روایت نبوی درباره وقایع کربلا و شهادت امام حسین (ع)، اشاره کرد. (15)
گفته‌اند که تربت امام حسین (ع) را پیامبر اکرم (ص) به او محول کرد. (16)
بنابر روایات، ام‌سلمه پس از رحلت رسول‌اکرم (ص)، یکی از مدافعان اهل‌بیت (ع) به شمار می‌رفت، چنان که از حضرت فاطمه (س) در برابر انکار ابوبکر نسبت به میراث پیامبر اکرم (ص) دفاع کرد و در آن سال خود از عطاء محروم ماند. (17) همچنین پس از قتل عثمان، هنگامی که عایشه به تحریک عبدالله بن زبیر به همراه طلحه و زبیر قصد حرکت به سمت بصره را داشت از ام‌سلمه خواست تا با او همراه شود اما وی عایشه را از این کار برحذر داشت و احادیث رسول‌خدا (ص) در مدح امام علی (ع) را به او یادآور شد. پس از آنکه از عایشه مأیوس شد، امام علی (ع) را از قصد اصحاب جمل آگاهانید و پسرش عمر را به خدمت آن حضرت گسیل داشت. امام علی (ع) بعد از خواندن نامه، ام‌سلمه را تحسین فرمود و عفت، صلاح، سلامتی و عقل و دیانت او را ستود و عمر بن ابی‌سلمه را والی بحرین و سپس والی فارس و حلوان کرد. (18)
پس از شهادت حضرت علی (ع) و زمانی که به دستور معاویه، امام علی (ع) را روی منبر لعن می‌کردند، او نامه‌ای به معاویه نوشت و سخت سرزنش کرد. (19)

در دوران یزید و پس از شهادت امام حسین (ع) او به عزاداری پرداخت و نخستین شیون‌کننده بر امام حسین (ع) در مدینه بود. (20)
هنگام بازگشت امام علی بن‌الحسین (ع) کتاب‌های علم امیرالمؤمنین علی (ع) و ذخایر نبوت خصایص امامت را که امام حسین (ع) قبل از رفتن به عراق نزد او به ودیعت نهاده بود، به آن حضرت سپرد و از اینجا می‌توان به توثیق او استظهار کرد. (21)

و سرانجام پس از عمری مجاهدت رحلت فرمود. او که مهاجر، مجاهد و از نخستین ایمان‌آوردندگان بود. او که نه تنها شایستگی قرار گرفتن در زمره مؤمنان، سابقات و مهاجرات را داشت، بلکه به افتخارهای دیگری هم نایل شد؛ ام‌المؤمنین شد و خانه‌اش مهبط وحی شد. وظیفه مادری مؤمنان را با رسیدگی به مشکلات مردم به اثبات رساند و پناهگاه بی‌پناهان و یاور بیچارگان شد. پرچم رسانیدن سنت رسول‌الله (ص) بر دوش گرفت و با صداقت و تقوا احادیث او را در موضوعات گوناگون نقل کرد و به ویژه احادیث درباره فضایل علی (ع) را مطرح کرد در عصری که به گفته امام شافعی دوستان علی (ع) از ترس، فضایل علی را که از پیامبر (ص) شنیده بودند، به زبان نمی‌آوردند و دشمنان او را از حسد. اما ام‌سلمه در طول 6 سال همسری با پیامبر اکرم (ص) میزان علاقه آن حضرت را به اهل بیتش عمیقاً دریافته بود و تا پایان عمر به ایمان قلبی و یافته‌های عینی خود وفادار ماند.

ام‌عمار (نسبیه) بنت کعب: از زنان صحابی رسول‌الله (ص)، پدرش کعب بن‌عمر و از بنی‌مازن خزرج و مادرش رباب دختر عبدالله نیز از همان قبیله بود (22)
دو برادرش عبدالله و عبدالرحمان نیز از اصحاب به شمار می‌رفتند.
ام‌عمار نخست با زید بن‌عاصم از بنی‌نجار خزرج ازدواج کرد و از او 2 فرزند به نام‌های حبیب و عبدالله داشت که هر دو در شمار اصحاب بودند. (23)

ام‌عمار در شهر مدینه از نخستین گروندگان به اسلام و یکی از دو زنی بود که گفته‌اند در بیعت دوم عقبه، اسلام آورد. در این بیعت، همسر بعدی او، عذیبه بن‌عمر و از بنی‌نجار که ام‌عمار از او نیز 2 فرزند به نام‌های تمیم و خوله داشت، شرکت جست. (24)
نسبیه از بانوان باتجربه بود که در بعضی از غزوات و جنگ‌ها برای کمک به جنگاوران اسلام، همراه آنان از مدینه بیرون می‌آمد و با سیراب کردن تشنگان، شستن لباس‌های سربازان و پانسمان کردن زخم مجروحان به پیروزی مسلمانان کمک می‌کرد؛ به‌ویژه در غزوه احد، چون پیامبر اکرم (ص) را در تنگنا دید، جانفشانی بسیار از خود نشان داد چندان که زخم‌ها برداشت. خود گوید: چون جان پیامبر در معرض خطر بود، مشک آب را به زمین گزاردم و با شمشیری که به دست آورده بودم، از حملات دشمن می‌کاستم و گاهی تیراندازی می‌کردم و مردی را که قصد ضربه زدن به رسول‌الله (ص) داشت، مانع شدم، اما او به شانه‌ام ضربه‌ای وارد کرد و من مجروح شدم. (25)

در این جنگ چندان زخم برداشت. فرزندش نیز زخمی شد. پیامبر اکرم (ص) او را ستایش و سپس در مدینه از او عیادت کرد. (26)
وی اگرچه به سبب زخم‌هایی که در احد برداشته بود، از شرکت در غزوه حمراء‌الاسد، باز ماند، اما در دیگر غزوات و حوادث همراه لشکریان اسلام بود. (27)

ام‌عمار در دوره خلافت ابوبکر همراه پسرانش در فتنه مسیلمه کذاب و جنگ یمامه شرکت داشت و در همین جنگ، یک دست خود را از دست داد. (28) به تاریخ درگذشت او در مآخذ اشاره‌ای نشده است اما از متن یک روایت چنین برمی‌آید که تا دوره خلافت عمر بن

خطاب زنده بوده است.(29)

از ام‌عمار چهار حدیث از قول رسول اکرم(ص) نقل شده است.(30)
ام‌عمار که در احد، عشق و ایمان خود را به رسول خدا(ص) به اثبات رسانده بود، تنها درخواستش از رسول الله(ص) این بود که در بهشت در شمار دوستان آن حضرت باشد و هنگامی که دعای پیامبر(ص) را در حق خود و خانواده اش شنید با خشنودی تمام گفت: «از این پس هر چه در دنیا بر سرم بیاید، مهم نیست.>(31)

اسماء بنت عمیس: از زنان صحابی و بسیار مهم و از سابقین در اسلام است. پدرش عمیس بن معد از قبیله قحطانی بنی خثعم و مادرش هند دختر عون بن زهیر جمیری بود.(32)

عمیس 4 دختر به نام‌های اسماء، میمون، سلمی و لبابه داشت که آنان را به ترتیب به نکاح جعفر بن ابی طالب، پیامبر اکرم(ص)، حمزه و عباس بن عبدالمطلب داده بود.

اسماء جزو اولین ایمان آوردگان به رسول الله(ص) و از نخستین مسلمانان بود.(33)
وی به همراه همسرش در مهاجرت به حبشه شرکت داشت. در دوران مهاجرت 3 فرزند به نام‌های عبدالله، محمد و عون به دنیا آورد.(34)

در سال هفتم هجرت، پس از فتح خیبر، همراه همسر و فرزندان و دیگر مهاجران به مدینه بازگشت و در آنجا اقامت گزید. در سال هشتم هجری همسرش جعفر را از دست داد و پس از آن به همسری ابوبکر درآمد و محمد را در سال حجه الوداع به دنیا آورد. محمد بن ابی بکر بعدها از یاران وفادار امام علی(ع) و محرم اسرار او شد. هنگام بیماری پیامبر اکرم(ص)، اسماء بر بالین آن حضرت بود.(35)

پس از درگذشت ابوبکر، به همسری امام علی(ع) درآمد و برای او 2 فرزند به نام‌های یحیی و عون به دنیا آورد. یحیی در کودکی درگذشت و عون در کربلا به شهادت رسید.

از زمان دقیق مرگ اسماء اطلاعی در دست نیست؛ هر چند 2 تاریخ 38 و 60 هجری برای سال مرگ او در برخی مآخذ آمده(36) اما گفته شده که او پس از شهادت امام علی(ع) از دنیا رفت.(37)

اسماء، احادیث زیادی از رسول الله(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع) روایت کرده است و گروهی از صحابه و تابعین از او روایت کرده‌اند؛ از جمله فرزندش عبدالله بن جعفر همسر حضرت زینت(س)، سعید بن مسیب، عروه بن زبیر و دیگران.(38)

یعقوبی از یک کتاب نزد اسماء نام برده که ظاهراً مشتمل بر سخنان پیامبر اکرم(ص) بوده است(39) و از آنجا که اسماء از نزدیکان پیامبر(ص) و خاندان آن حضرت به شمار می‌رفت، قدمت وجود چنین متنی در نهایت درجه اهمیت و ارزش قرار می‌گیرد.

از نکات مهم و برجسته در زندگی اسماء پیوند او با خاندان امام علی(ع) و عشق و اخلاص فوق‌العاده او به اهل بیت بود و از این جهت همواره مورد تکریم خاندان نبوت قرار داشت. وی از معدود کسانی بود که در مراسم کفن و دفن شبانه و اسرارآمیز حضرت فاطمه زهرا(س) حضور داشت.(40)

به دلیل پیوند نزدیک و صادقانه او با اهل بیت(ع) در منابع شیعی از او به نیکی یاد شده است و امامان باقر(ع) و صادق(ع) او را ستوده‌اند.(41)

ام‌ایمن(برکه) بنت ثعلبه بن عمر: از زنان صحابی رسول الله(ص) است.
ام‌ایمن کنیزی حبشی(42) از آن عبدالله بن عبدالمطلب یا همسرش آمنه بود که پس از درگذشت آن بزرگواران به حضرت رسول اکرم(ص) تعلق یافت.(43)

گفته‌اند پس از درگذشت آمنه در «ابواء>، پیامبر اکرم(ص) را تا ورود به مکه مراقبت کرد و گویا همچنان تا مدت‌ها در خدمت پیامبر(ص) بود.(44)

پیامبر اکرم(ص) بعد از آمنه، او را مادر خود می‌خواند و می‌فرمود که او در حکم مادر من و از اهل بیت است.

رسول خدا(ص) هنگام ازدواج با خدیجه(ص) او را آزاد کرد و او به همسری عبید بن زید خزرجی درآمد و ایمن را از او بزاد و به همین سبب به ام‌ایمن شهرت یافت. پس از درگذشت عبید بازید بن حارثه فرزند خوانده رسول خدا(ص) ازدواج کرد و اسامه از او متولد شد.(45)

ام‌ایمن از نخستین گروندگان به اسلام بود. وی از مهاجران به حبشه و سپس به مدینه بود.(46)
ام‌ایمن زنی شجاع بود و در غزواتی حضور داشت. در جنگ احد جنگجویان را سیراب و مجروحان را مداوا می‌کرد و در غزه خیبر همراه پیامبر اکرم(ص) بود.(47)

در غزه حنین همراه پسرش ایمن شرکت کرد. فرزندش یکی از 10 تنی بود که هنگام متفرق شدن لشکر اسلام شجاعانه مقاومت کرد و در رکاب رسول خدا(ص) به شهادت رسید.

ام‌ایمن سخت مورد علاقه پیامبر(ص) بود. احادیثی از منزلت بلند او نزد پیامبر(ص) نقل شده است.(48)
پیامبر(ص) او را در خانه اش دیدار می‌کرد و پس از او، ابوبکر و عمر نیز به پیروی از پیامبر چنین می‌کردند.(49)

از این رو در برخی منابع حدیثی بابی به عنوان فضایل ام‌ایمن آمده است. (50)
 در منابع شیعی نیز از او با احترام یاد شده است. (51)
 ام‌ایمن در رحلت رسول‌خدا (ص) بسیار می‌گریست. حضرت فاطمه‌زهرا (س) در قضیه فدک وی را به عنوان شاهد خود معرفی فرمودند اما ابوبکر به جهت شهادت یک زن نپذیرفت.
 از ام‌ایمن چند حدیث روایت شده است و کسانی چون انس بن مالک ابویزید مدنی و حنش بن عبدالله صنعانی از او روایت کرده‌اند. (52)

تاریخ دقیق درگذشت او روشن نیست. اگرچه برخی گفته‌اند که او حدود 5 ماه پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) درگذشت (53) اما بنا به نقل ابن سعد، وی تا اوایل روزگار خلافت عثمان زنده بوده است. (54)
 زنان صحابی که از سیره و سنت رسول گرامی اسلام کوچک‌ترین تخلفی نمی‌کردند، بی‌شمار هستند که فرصت پرداختن به زندگانی سراسر افتخار آنان میسر نیست. اما آنچه از زندگانی این چهار بانوی صحابی می‌توان دریافت، حضور دائمی آنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی روزگار خود بود. آنان با عزت و سربلندی زندگی کردند. در همه ادوار حکمت به کار بستند و به خرد پناه بردند و رفتار خردمندانه آنان همواره مشهود بود.
 آنان مصداق بارز زن مورد تأیید حضرت حق بودند. آنانی که ایمان آوردند، هجرت کردند و برای برپایی دین خداوند دست به جهاد برداشتند. (55)

آنان که به گواهی قرآن مجید از مسلمات، مؤمنات، قائنات، صادقات، صابرات، خاشعات، متصدقات، صائمات، حافظات و ذاکرات به شمار می‌آیند که خداوند برای آنان مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است. (56)

منابع:

- 1- الطبقات الکبری، ابن سعد، 8/86؛ المحبر، ابن حبیب، 83؛ الاستیعاب، ابن عبدالبر 4/1920؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی 202/2-201.
- 2- سیر اعلام النبلاء، ذهبی 202/2؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، 20/143.
- 3- سیر اعلام النبلاء، ذهبی 202/2.
- 4- صحیح بخاری 1/28.
- 5- برای تفصیل، نگاه کنید به سیرت رسول‌الله (ص)، اسحاق بن محمد، 324-316/1.
- 6- حبیب السیر، خواندمیر، 1/308.
- 7- السیره النبویه، ابن هشام، 113-112/2؛ الاستیعاب، ابن عبدالبر، 4/1921.
- 8- سیر اعلام النبلاء، 202/2؛ المنتظم، ابن جوزی، 2/197؛ تاریخ طبری 3/177.
- 9- سیر اعلام النبلاء، ذهبی 209/2.
- 10- مغازی واقدی، 2/467.
- 11- همان، 1/314.
- 12- برای تفصیل، نگاه کنید به ام‌سلمه و نقش او در تاریخ اسلام، مرضیه محمدزاده، صص 141-156.
- 13- المعجم الکبیر، طبرانی، 421-248/23.
- 14- الاعلام، زرکلی، 9/104.
- 15- رجوع کنید به مسند احمد بن حنبل، 6/292، 296، 298؛ المعجم الکبیر طبرانی، 49-46/3؛ مستدرک حاکم 3/146؛ تاریخ یعقوبی 183-182/2؛ اثبات الوصیه، مسعودی، 141.
- 16- الثاقب فی المناقب، ابن حمزه، ص 330.
- 17- دلائل الامامه، ابن رستم طبری، 39.
- 18- برای تفصیل رجوع کنید به تاریخ یعقوبی 2/78؛ الاختصاص شیخ مفید، 116-113؛ انسان الاشراف بلاذری، 1/430؛ تاریخ طبری 452-451/4؛ العقد الفرید ابن عبدربه 317-316/4.
- 19- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، 7/401؛ العقد الفرید ابن عبدربه 366/4.
- 20- تاریخ یعقوبی، 2/182؛ اسد الغابه ابن اثیر 2/22.
- 21- وسائل الشیعه، حر عاملی، 20/143.
- 22- نسب معد والیمن الکبیر، هشام کلبی، 2/49؛ السیره النبویه، ابن هشام، 2/319؛ الطبقات الکبری ابن سعد، 8/301.
- 23- هشام کلبی و ابن هشام، همانجا.
- 24- الطبقات الکبری ابن سعد، 8/301؛ انساب الاشراف بلاذری، 1/250.
- 25- مغازی واقدی 1/268.
- 26- الطبقات الکبری ابن سعد، 303-302/8؛ انساب الاشراف بلاذری 326-325/1.
- 27- الطبقات خلیفه بن خیاط، 2/880؛ مغازی واقدی 2/735-574.
- 28- مغازی واقدی 1/269؛ الطبقات الکبری ابن سعد، 8/304؛ فتوح البلدان بلاذری، 126.

- 29- الطبقات الكبرى ابن سعد 303/8؛ انساب الاشراف بلاذری 325/1-326.
- 30- رجوع کنید به مسند احمد بن حنبل 439/6؛ سنن ابن ماجه 556/1؛ تحفه الاشراف عزى 92-93.
- 31- تاريخ پیامبر اسلام، آيتى، ص 196.
- 32- نسب معد و الیمن الكبير، هشام کلبى 356/1-358.
- 33- سيرت رسول الله (ص) ابن اسحاق 143؛ الطبقات الكبرى ابن سعد 280/8.
- 34- نسب معد و الیمن الكبير هشام کلبى 358/1.
- 35- السيره النبويه ابن هشام 300/4؛ انساب الاشراف بلاذرى 545/1.
- 36- الوافى بالوفيات صغدى 53/9؛ البدايه والنهائيه ابن كثير 331/7.
- 37- سير اعلام النبلاء ذهبى 287/2.
- 38- مغازى واقدى 766/2، سير اعلام النبلاء ذهبى 278/2؛ تحفه الاشراف عزى 263-259/11.
- 39- تاريخ يعقوبى 101/2.
- 40- انساب الاشراف بلاذرى 405/1؛ مستدرک حاکم 163/3-164.
- 41- معرفه الرجال کشى، 63-64؛ الخصال ابن بابويه 363/2.
- 42- المغازى النبويه، زهرى، 177؛ المعجم الكبير طبرانى، 86/25.
- 43- الطبقات الكبرى ابن سعد 223/8؛ انساب الاشراف بلاذرى 96/1.
- 44- المعارف ابن قتيبه، 150؛ انساب الاشراف بلاذرى 472/1.
- 45- الطبقات الكبرى ابن سعد 223/8، 61/4.
- 46- الاستيعاب ابن عبدالبر 1793/4؛ اسد الغابه ابن اثير 567/5.
- 47- مغازى واقدى 2/1، 685/241-250؛ الطبقات الكبرى ابن سعد 225/8؛ انساب الاشراف 320/1.
- 48- الطبقات الكبرى ابن سعد 223/8؛ سير اعلام النبلاء ذهبى 224/2.
- 49- صحيح مسلم 1907/2؛ سنن ابن ماجه 534-523/1، الاستيعاب ابن عبدالبر 1794/4.
- 50- نگاه کنيد به صحيح مسلم 1907/2-1908.
- 51- براى مثال الكافى كلينى 405/2؛ امالى ابن بابويه 760.
- 52- مسند احمد بن حنبل 421/6؛ المعجم الكبير 87/5-91؛ تهذيب التهذيب ابن حجر اسقلانى 459/12.
- 53- المعجم الكبير طبرانى 86/25.
- 54- الطبقات الكبرى ابن سعد، 226/8؛ سير اعلام النبلاء ذهبى 227/2.
- 55- رجوع کنيد به قرآن مجيد، سوره انفال، آيه 72.
- 56- رجوع کنيد به قرآن مجيد، سوره احزاب، آيه